

نقش دانشگاه در توسعه فرهنگی و اجتماعی از جنبه آموزش شهروندی، تأثیر آموزش آن بر میزان آگاهی شهروندان از حقوق خود و نیم نگاهی به دیدگاه منابع اسلامی

سینا فیضی^{۱*}، پیام احمدیان^۲، محمد سعید مطاعی^۳، ساجد زارعی^۴

۱،۲،۳،۴ کارشناس علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

(sinafeizi313@yahoo.com)

چکیده

در باب فلسفه اغلب ما تصور می‌کنیم که جز عملی بودن همه چیز هست. فلسفه تعلیم و تربیت مسرت بار کردن زندگی است. مراد از مسرت خوشی‌های معنوی و پایدار است. کار معلمی نیز معماری فکر و ذهن انسانی است که ساختارهای ذهن و ساختارهای عملی انسان را می‌سازد. معلم و استاد با آگاهی از روش‌های صحیح تفکر و پژوهش و کاربرد آنها در زندگی عملی سبب خوشبختی علمی و معنوی مردم می‌گردند. شادابی و مسرت چنین تلاش‌هایی بی‌حد و حصر بوده و همچنین سرچشمه جاودانی در عوالم گوناگون روح و جسم و احساس و خاطره می‌معلم و متعلم جریان می‌یابد. بدین جهت فلسفه تعلیم و تربیت مسرت بار کردن زندگی است. مسرتی که صاحبان آن سختی هر تلاشی را به سبب آن فرح دل انگیز تحمل می‌کنند. آموزش و پرورش در جوامع امروزی به عنوان کلیدی‌ترین نهاد آموزشی در جهت توسعه همه جانبه به شمار می‌رود. چرا که در پرتو آموزش است که انسان‌ها متحول می‌شوند. بر پایه نظام آموزشی و تربیتی یک جامعه است که نظم و انضباط اجتماعی حالت نهادهای به خود می‌گیرد و عامه مردم به طرف فرهنگ ترقی و توسعه حرکت می‌کنند.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، مهارت‌های شهروندی جهانی شدن، عصر ارتباطات.

۱- مقدمه

هرچند مقوله‌هایی از جمله شهروندی، فرهنگ شهروندی و حقوق شهروندی در ادبیات حقوقی، سیاسی و جامعه‌شناسی ایران واژه‌هایی جدید به شمار می‌آیند ولی از نظر مفهومی کاملاً شناخته شده هستند. شهروندی که تحت اقتدار و حمایت یک حکومت قرار دارد، برخوردار از مجموعه‌ای از حقوق اساسی انسان است. امروزه این اندیشه و اعتقاد وجود دارد که افراد به منزله شهروندی، همچنان که حقوق و آزادی‌هایی دارند که حکومت مکلف است از آنها حمایت کند، تکالیف و مسئولیت‌هایی نیز در قبال حکومت دارند. بنابراین برای توسعه فرهنگ شهروندی و تبیین، تضمین و حفظ حقوق شهروندی، ابتدا باید حقوق شهروندی را در متن جامعه و قوانین شناسایی کرد. حقوق شهروندی مجموعه‌ای از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تامین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم است. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود. بسیاری از حقوقدان‌ها معتقدند مهم‌ترین اقدام برای تحقق حقوق شهروندان ارائه یک طرح بومی ریشه حقوق الهی و طبیعی متناسب با فرهنگ دینی و بومی ایرانی است تا حداکثر حقوق شهروندان تامین و تلاش برای صیانت از حقوق بشر انجام شود.

از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی انسان‌ها که عامل دوام و بقای نسل بوده و از سوی همه قوانین بشری نیز پذیرفته شده است، ازدواج و تشکیل خانواده است. اهمیت خانواده از بعد فردی و اجتماعی و تأثیرگذاری آن بر جامعه به حدی است که قانونگذار در اصل ۱۰ قانون اساسی، آن را واحد بنیادی جامعه اسلامی دانسته است زیرا چنانچه خانواده را اجتماعی مرکب از پدر، مادر و فرزندان بدانیم که با رشته‌های عاطفی به یکدیگر پیوسته‌اند، هر اندازه که استحکام این رشته‌ها قوی‌تر باشد ارتباط افراد خانواده با یکدیگر و رابطه این گروه با جامعه عمیق‌تر خواهد بود و برعکس هر قدر میزان این رابطه عاطفی، متزلزل‌تر و ضعیف‌تر شود،

پیوند اعضای خانواده از یکدیگر و از جامعه گسسته‌تر خواهد شد. چنانچه افراد خانواده با حقوقشان آشنا باشند و خود را ملزم به رعایت آن بدانند، قوانین اجتماعی را نیز محترم خواهند شمرد. در مقابل، خانواده‌ای که در آن تنش و ناسازگاری وجود داشته باشد و اعضای آن حقوق یکدیگر را نادیده انگارند، در جامعه نیز نسبت به قوانین بی‌توجه خواهند بود. به عبارت دیگر جامعه در حکم آیینه‌ای است که کنش، رفتار و منش خانواده به خوبی در آن منعکس می‌شود. به همین دلیل در همان اصل از قانون اساسی قید شده است که همه قوانین، مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوطه باید در جهت آسان کردن شرایط تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. باین وجود باید اذعان داشت که به رغم همه قوانین و مقرراتی که به منظور حفظ و پایداری خانواده مقرر شده آنچه ضامن بقا و سعادت خانواده است، فرهنگ و اخلاق حاکم بر آن است. خانواده تابع قراردادهای نانوشته‌ای است که عقاید، رسوم و سنن حاکم بر جامعه طی قرون و سالیان دراز آنها را رقم می‌زند و شمشیر برنده قانون، زمانی اجازه داخل شدن به محیط خانواده را می‌یابد که اخلاق در این نهاد بنیادی کمرنگ شده باشد. بنابراین همچنان که آشنا کردن جامعه با قوانین خانواده از وظایف حقوق‌دانان به شمار می‌رود، ضروری به نظر می‌رسد که کارشناسان امر نیز به بیان اصول اخلاقی که موجب اعتلای آن می‌شود بپردازند.

بیان مسئله

آیا آموزش شهروندی می‌تواند درک بهتری نسبت به آنچه موجب زندگی بهتر درک عاقلانه تر و رفتار بهره‌ورانه تر می‌شود و آنچه باعث آن نمی‌شود به ما بدهد؟ این بستگی به آن دارد که ما درک را چه معنی بکنیم؟ اگر آن را داده‌های سخت معنی کنیم پاسخ احتمالا منفی است. اما اگر منظورمان آگاهی عقلانی باشد که به ما در درک روابط جزئی موجود در زندگی کمک می‌کند پاسخ قطعاً مثبت است اما چگونه و چطور با چه روش یا روش‌هایی می‌توان آن را در متن حیات پیاده نمود؟ ما افراد جوان و نوجوانانی می‌خواهیم که پس از فراغت از تحصیل در مدرسه دارای درک سیاسی حقوقی و نقشی اقتصادی در جامعه بزرگسالی باشند و برخوردار از آگاهی اجتماعی و اخلاقی باشند. آموزش شهروندی برای آماده کردن جوان ترها به منظور مشارکت در یک زندگی دموکراتیک ضروری است. (ائتلاف زندگی دموکراتیک ۲۰۱۰)

فلسفه آموزش شهروندی فراتر از یک موضوع است. اگر به نیازهای شخصی و فردی به خوبی پاسخ داده شود و در مسیر درست هدایت شود توانایی‌ها و ارزش‌هایش در مسیر زندگی دموکراتیک شکوفاتر خواهد شد و به حقوق و تکالیفشان آشنا تر خواهند شد. (برنارد کریک برنامه درسی ملی شهروندی ۱۹۹۹) فناوری اطلاعات نیز باعث شده است تا جهان در عرصه‌ی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی به یکدیگر وابسته گردد و این وابستگی، لزوم اندیشه و عمل جهانی را پدید آورده است. می‌توان گفت در قالب جهانی باید به صورت دموکراتیک عمل کرد و ابزار و اندیشه‌ی عمل دموکراتیک، فناوری اطلاعات است. چرا که باتوجه به فرایند جهانی شدن آینده تربیت به طور جدی متأثر از فناوری‌های اطلاعاتی خواهد بود.

آموزش و پرورش و شهروندی یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین جهت، همه‌ی افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آموزش‌های متناسب با شهروندی در مراحل گوناگون زندگی هستند. البته این امر زمانی جامه عمل می‌پوشد که فضای آموزشی جامعه، فضایی دموکراتیک به خود گیرد و این ممکن نیست مگر به شرط استقرار نظام سیاسی مردم‌سالار (که در آن افراد خود را در مقابل جامعه مسئول و برای عمل به وظایف شهروندی) و در نتیجه برخورداری از حقوق مترتب بر آن آزاد می‌بینند.

در این فضای دموکراتیک، دانش‌آموزان نیز نیازمند آن هستند که در زمینه‌های اخلاقی، رشد اجتماعی و دانش و درک درست و عینی از جهان، آموزش می‌بینند. در تمام تصمیم‌گیری‌های مربوط به خودشان در خانه و مدرسه و جامعه مشارکت کنند و به عنوان یک شهروند، به صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با احوال خودشان قرار گیرند. آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کند تا شهروندانی مسئول، مشارکت‌کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقمند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند. افرادی که نه تنها ارزش‌ها و ویژگی‌های مورد ستایش جامعه را دارا باشند، بلکه بتوانند در راستای بهسازی و ارتقای فرهنگ جامعه تلاش موثری را به نمایش گذارند. در سایه‌ی چنین برداشتی است که از نظر مربیان بزرگ تعلیم و تربیت... مدرسه نه تنها یک مکان جهت آماده شدن برای زندگی است، بلکه در حقیقت جایی برای تمرین زندگی و تجربه عرصه‌های مختلف آن است. به عبارت دیگر مدرسه مکانی برای یادگیری حقوق و مسئولیت‌های شهروندی است. از این رو آن چه که می‌تواند رسالت و فلسفه اصلی شکل‌گیری و توسعه‌ی مدارس را در دوران کنونی توجیه کند، تربیت شهروندی و به عبارت دیگر عمل کردن مدارس به عنوان مدرسه‌ی زندگی در راستای احراز ویژگی‌های

شهروندی است. مدرسه باید مکانی برای تدارک فرصت های لازم و مناسب برای تجربه و تمرین در عرصه های مختلف زندگی باشد تا از این رهگذار، زمینه های لازم برای برطرف کردن نیازهای فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان فراهم آید. بنابراین مدرسه باید خود زندگی و نمونه و الگویی کوچک از جامعه باشد و در آن دانش آموزان در عرصه های مختلف نظیر حرفه، دین، سیاست، فرهنگ، علم و فناوری، خانواده، بهداشت محیط زیست، ارتباطات، و مانند آن به یادگیری بپردازند. این چگونگی مستلزم پرداختن هرچه بیشتر به تربیت شهروندی و مهارت های زندگی در سطح مدارس است.

سوالات پژوهش

- فلسفه ی وجودی آموزش شهروندی در زندگی روزمره چیست؟
- چه روش هایی برای پیاده نمودن روش فلسفی در رفتارهای افراد وجود دارند؟
- چگونه از فلسفه به منظور انتخاب عاقلانه ترین تصمیم بهره بگیریم؟
- رابطه فلسفه آموزش شهروندی و زندگی دموکراتیک چیست؟
- نتایج آموزش شهروندی در زندگی آینده افراد چیست؟

روش پژوهش

در این نوشتار بر آنیم با بررسی جنبه های متفاوت فلسفه آموزش شهروندی و ابعاد متفاوت و گسترده آن برای سوالات فوق پاسخی بیابیم که در درون این جواب ها در خواهیم یافت که اثرات آن در آینده جوامع بخصوص جامعه ایران با وجود پیشرفت های روز افزون چه خواهد بود. دریافت این نکته که بهترین زمان این آموزش برای شهروندان چه سنی است از اهمیت خاصی برخوردار است. علاوه بر این موارد پیشینه ایرانی - اسلامی این مقوله چیست و از دیدگاه اسلام چگونه نسبت به آن پرداخته شده است که با تورقی بر قرآن و نهج البلاغه در حد توان بتوانیم مطالب مرتبطی را با این مورد بیان نماییم. همچنین با نگاهی به تاریخ معاصر ایران و بیانات رهبر کبیر انقلاب و نیم نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موارد قانونی آن را نیز مورد توجه قرار دهیم.

مبانی نظری پژوهش

در تفکر اسلامی تا انسان به شناخت صحیح خود و نیازهای پیچیده اش که رمز تکامل اوست نرسد، نسبت به مسئولیت هایش جاهل خواهد بود (کفی بالمرء جهلان لایحرف قدره) و هنگامی که به چنین شناختی نائل گردد احترام به شخصیت و کرامت انسانی نسبت به دیگران را در خود احساس خواهد نمود.

(فانهم صنفان اما اخ لک فی الدین اونظیر لک فی الخلق) (نهج البلاغه، نامه/۳۵) و هرگز به خود اجازه تحقیر دیگران نخواهد داد.

به عقیده ی بسیاری از دانشمندان تعلیم و تربیت، وظیفه آموزش و پرورش، تربیت شهروندانی است که بتواند برای رشد و شکوفایی جامعه ی مردم سالار و تجدید بنای آن تلاش کند. نظام آموزشی مردم سالار، درصدد تربیت نسلی است که بتواند در دنیای پیچیده ی کنونی، هم برسرمایه ی دانش خود بیفزاید و هم با افزایش قابلیت همبستگی و نقش پذیری خود در ایجاد فضای گروهی که مسئولیت چند جانبه و جمعی به بار می آورد، کوشش نماید در چنین جامعه ای از ما می خواهند که همه با هم برای درک دنیای یکدیگر تلاش کنیم و چشم انداز مشترکی بسازیم که ما را قادر می سازد از یکدیگر بیاموزیم و درحالی که واقعیت کثرت گرایی را حفظ می کنیم بر خود حکومت کنیم.

حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۱ در فرمان هشت ماده ای خود، «حقوق انسان ها و شهروندی» را بسیار شفاف و صریح مطرح نمودند. در بخشی از بیانات امام (ره) در فرمان ۸ ماده ای آمده است:

((قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن خدای ناخواسته به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریمه اسلامی از اشخاص بی توجه به معنویات صادر شود. باید ملت از این پس که زمان استوار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند.))

دانستن از مواردی است که توأمان هم مشمول حقوق شهروندی است و هم جزو تکالیف و وظایف شهروند است. شهروند باید نسبت به حقوق و وظایف خود آگاه باشد تا حقوق خود را مطالبه و وظایف خود را به درستی انجام دهد. بهره مندی از مواهب

الهی و قانونی و برخورداری از حمایت پلیس و حکومت برای همه شهروندان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. مشارکت بر سرنوشت اجتماعی، مشارکت آزاد در انتخابات، مشارکت در تدارکات اجتماعی و مناسبات قدرت، از حقوق شهروندی است. در نهج البلاغه بارها توصیه اکید حضرت به تلاش و کار برای تمام شهروندان آمده است؛ یعنی ایشان برخورداری از حقوق شهروندی را برای همه شهروندان یک حق تلقی می‌کردند و رعایت آن را برحاکم، لازم و واجب می‌شمردند. گستره شهروندی به چگونگی باز یا بسته بودن برخورداری از حقوق شهروندی در یک جامعه و قلمرو آن برمی‌گردد. در جامعه اسلامی امکان استفاده و برخورداری از حقوق شهروندی برای تمام شهروندان وجود دارد و در این زمینه هیچ تفاوتی میان شهروندان - از هر قشر که باشند - وجود ندارد. در نهج البلاغه نیز امیرمومنان (علیه السلام) به این مهم اشاره و تأکید فرموده است. حضرت با نگاه ویژه خود خلقت برابر انسانها را می‌پذیرند. در کانون توجه قرار دادن نوع انسان، فارغ از قوم و قبیله و دین و مذهب، محور سیاست‌های حضرت علی را تشکیل می‌داد.

در نهج البلاغه بارها توصیه اکید حضرت به تلاش و کار برای تمام شهروندان آمده است؛ یعنی ایشان برخورداری از حقوق شهروندی را برای همه شهروندان یک حق تلقی می‌کردند و رعایت آن را برحاکم، لازم و واجب می‌شمردند. در سفارشهای آن حضرت به مالک اشتر درباره شهروندان آمده است: «پس آنها دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تو هستند و دسته دیگر در آفرینش با تو همانند» بر همین اساس باید همه شهروندان در تمام حقوق و امتیازات باهم برابر باشند که از جمله اینها تساوی در تقسیم بیت المال، تساوی در بهره بردن از انصاف حاکم، (۱) تساوی در اجرای قانون، (۲) برابری در فرصت‌ها و مسئولیت و وظیفه دولت در قبال همه طبقات جامعه (۳) است. حتی در کلام امام در نهج البلاغه توصیه ایشان به تلاش برای جلب رضایت عوام تا خواص را می‌بینیم: «ولیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق، و اعماها فی العدل، و اجمعها لرضی الرعیه، فان سخط العامه یجحف برضی الخاصه و ان سخط الخاصه یغتفر مع رضی العامه» (۴)

امام در این بخش از پیام خود ارزش را به جلب رضایت عموم و سیاهه ملت و گسترش عدالت داده است و اینکه ملاک در محبوبیت، میانه روی در حق است و بس و زمامدار باید توجه داشته باشد آنچه رضایت عموم را سبب می‌گردد، مقدم است بر آنچه رضایت خواص و بستگان را در برمی‌گیرد؛ زیرا رضایت خواص در صورت خشم و غضب ملت ناچیز است و بکار نمی‌آید و نمی‌تواند مدافع از کیان زمامدار باشد، به خلاف رضایت عموم و ملت و چنانچه در این صورت خشم و غضب خواص عارض گردد، به جایی صدمه نمی‌زند و توانایی کاری را ندارد؛ چون غضب خواص در برابر رضایت ملت و عموم ناچیز است. پس ملاک، بدست آوردن رضایت مردم و عموم ملت است نه رضایت خواص و بستگان و زمامدار زمانی عدالت را محقق نموده و گسترش داده است که عامه مردم از او راضی باشند چه خواص راضی باشند یا نه. در دیدگاه امیرمومنان (علیه السلام) علی حکومت تنها زمانی اعتبار می‌یابد که وسیله‌ای در جهت تحقق اهداف انسانی و الهی و ابزار برپایی عدالت و رفاه همگانی و حفظ حرمت و حقوق انسانی و بستر تعالی آدمی باشد. بر پایه‌ی این دیدگاه می‌توان گفت که امیرمومنان چهار هدف و غایت مهم از شهروندی مد نظر دارد: برقراری عدالت، تأمین امنیت، تأمین رفاه شهروندان و جامعه و تربیت برای زمینه‌سازی رشد و تعالی انسانها.

یافته‌های پژوهش

یکی از ویژگی‌های جهان معاصر برجستگی و محوریت انسان و موضوعات مرتبط با او در کلیه عرصه‌هاست. انسان به عنوان عامل محوری هر گونه نقش‌آفرینی در آینده مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. از عصر روشنگری به بعد، جامعه بشری، به تعریف جدیدی از انسان و جهان پرداخت. طی این سالها، انسان بعنوان موجود ذی‌حقی شناخته شده که توانایی اداره امور شخصی و اجتماعی خود را (از طریق قراردادهای اجتماعی) دارد. حق یکی از مقوله‌های فربه در رشته‌های مختلف همانند حقوق، علوم سیاسی، اخلاق می‌باشد و از این رو پرداختن به آن ولو کلی و مختصر به عنوان پیش‌زمینه در همه عرصه‌هایی که بحث حق و حقوق به معنای عام آن پیش می‌آید، به نظر حیاتی می‌آید. تا قبل از قرن سیزدهم میلادی حق عمدتاً در معنای حق بودن (خیر) که نقطه مقابل آن باطل بودن (شر) است بکار می‌رفت. از قرن سیزدهم به بعد حق به معنای جدید آن یعنی حق داشتن بکار رفت و این معنای دوم بود که باعث شفافیت و عینیت مفهوم حق و همین‌طور کاربرد آن گردید. حق در این معنا مهمترین عنصر شهروندی و همین‌طور مهمترین هدف و محرک حرکت‌ها و نهضت‌های اجتماعی است و از آن مهمتر انسانیت انسان، حیثیت ذاتی و کرامت او در پرتو بهره‌مندی اش از حق‌ها معنا و مفهوم پیدا می‌کند. حضور حق‌ها در بطن زندگی اجتماعی و

از آن طریق تامین و تضمین انسانیت و حیثیت و کرامت انسان در گرو تلاش فردی و اجتماعی انسان هاست به عبارتی، تلاش افراد در روابط بین خودشان و در رابطه با موجود قدرتمند دولت، ضامن واقعی اجرای حق هاست. از طرف دیگر اگر جنبش های اجتماعی در قالب و چارچوب حق مدار شکل گرفته و ماهیت احساسی و خطرناک به خود نگیرد و دولت (که اصولاً باید نماینده همه شهروندان باشد) و گرایش غالب و حاکم بر جامعه، این حرکت حق مدار را پذیرا شده و طرد نکند، در آن صورت می توان به تامین و تضمین صلح و زندگی مسالمت آمیز، عدالت، ثبات و تمامیت ارضی و وحدت جوامع امیدوار بود. یکی از مکانیسم های اساسی در این راستا، آموزش شهروندی است. (همتی، ۱۳۸۷) آموزش شهروندی عامل مهمی در نهادینه شدن حقوق شهروندی است. آموزش شهروندی منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می گردد. این مولفه ضامن بقاء و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه همه جانبه جوامع صنعتی و رو به پیشرفت است. چنین تربیتی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسؤولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی به وجود می آورد؛ نقش دیگر این مولفه ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسایل عمومی جامعه در ابعاد محلی- ملی و جهانی است. چنین آموزه هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و جستجویی برای مساوات طلبی است. در واقع آموزش شهروندمداری در یک جامعه باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی به صورت ملی برخوردار باشند و ضمن برخورداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بهره مند گردند. یادگیری پارامترهای آموزش رفتار شهروندی به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی در زندگی کمک شایانی می کند. آموزش رفتارهای شهروندی در افزایش کیفیت عملکرد سازمان های مدنی بسیار اثرگذار است، این آموزه ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبستگی اجتماعی یک جامعه در سطح محلی- ملی و جهانی کمک خواهد کرد، آموزش شهروندی بخشی از وظایف مدیریت شهری است، در واقع دولت و نهادهای قانونگذار، سازمانهای ملی و محلی، تشکل های مدنی و از طریق آموزش حقوق شهروندی و مهارت های زندگی جمعی و شناخت اصول مدیریت شهری نقش بارزی در تربیت شهروندان خواهند داشت.

منظور از آموزش شهروندی عبارت است از فرایند انتقال دانش ها، ارزش ها و نگرش های لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک نسل به نسل دیگر.

این انتقال شامل موارد مختلفی نظیر:

آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، احساس وفاداری به ملت، نگرش مثبت نسبت به اقتدار سیاسی، باور به ارزش های بنیادی (مانند حاکمیت قانون و تسامح و تساهل)، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارت های لازم برای فهم سیاست های عمومی و نظارت بر آن ها می شود.

بدین ترتیب، هدف اساسی آموزش شهروندی در هر جامعه ای، انتقال مجموعه ای از دانش ها، ارزش ها و جهت گیری های رفتاری ضروری برای دوام و رفاه آن جامعه، به نسل جوان است.

لذا آموزش شهروندی به دنبال جلب حمایت جوانان از فرهنگ مدنی جامعه است که این امر از طریق فرایندهای آموزشی تحقق می یابد. در جوامع اقتدار طلب و خودکامه تعلیم و تربیت شهروندی به شدت در پی القای عقیده حاکم است و حق انتخاب چندانی برای فرد در جهت ابراز مخالفت وجود ندارد در حالی که در جوامع مردم سالار، هدف از تعلیم و تربیت شهروندی، پرورش افرادی است، مسئول، خودآگاه، کارآمد و بالتبع در خدمت اهداف و آرمان های جامعه.

انسان باید ارزش پیدا کند و تربیت او مبنای توسعه قرار گیرد. چون هدف از آموزش و سرمایه گذاری آموزشی کشف و توسعه ی منابع انسانی در جهت تعالی بخشی ارزش ها و استعدادها و بهینه کردن آن است چون محور اصلاحات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در کلیه ممالک توسعه یافته، انسان بوده می باشد.

آموزش مهم ترین رکن برنامه ریزی جامعه است و کلیدی ترین عنصر در توسعه یک جامعه. مردم آن جامعه هستند که باید از فرهنگ، آگاهی و مهارت های گوناگون برخوردار باشند.

تعلیم و تربیت در جامعه ی اسلامی بر توسعه ی فرایند آموزش مردم سالاری دینی تکیه دارد؛ فرایند پویایی که هم می تواند به حالت انسجام و وابستگی درونی فرد عقل او و کارکردهای اجتماعی او بیندیشد و هم می تواند او را به ارزش های اخلاقی و اصول اعتقادی که در جهت تکریم مقام و منزلت انسانی قرار دارد، پایبند نماید. اگر واقفیم که آموزش و پرورش به عنوان رکن تولید آگاهی مدنی دانش آموزان به عنوان عاملان اصلی باز تولید این آگاهی و شناخت، در واقع همان پشتوانه های راهبردی رشد

فرهنگ شهروندی و توسعه‌ی سیاسی کشور به شمار می‌رود. در این خصوص انتظاراتی از آموزش و پرورش کارآمد و منطبق با نیازهای امروزی هست که عبارتند از:

- *آموزش مفید، اثربخش و کاربردی
- *تربیت نسل جوان و نوجوان براساس معیارهای مورد قبول جامعه
- *تسهیل در فرایند جامعه‌پذیری افراد و یادگیری هرچه بهتر استانداردهای زندگی سالم
- *هدایت نسل جوان و نوجوان در جهت ترقی و توسعه‌ی مطلوب
- *تربیت انسان‌های قانونمند، مشارکت‌پذیر، منظم، مسئول و پرتلاش از طریق نهادینه‌سازی قانون و پرهیز از زور و خشونت و سلطه‌گری و جلوگیری از تنش و تن دادن به آن
- *جا انداختن فرهنگ تحزب‌گرایی و تمرین مشارکت در اداره‌ی امور مدرسه و جامعه
- *تقویت ایمان، روحیه‌ی شجاعت، اعتماد به نفس، شکیبایی در برابر مصائب و رنج‌ها، عدالت‌جویی، وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی، مشورت، تعاون و ایثار

توشیرو دوکو یکی از معماران توسعه‌ی ژاپن، امروزه درباره نقش سازنده و بارورکننده و رشد‌دهنده انسان و آموزش و پرورش در فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی چنین بیان می‌کند: ما نه هیچ منبع طبیعی داریم و نه هیچ قدرت نظامی، ما فقط یک منبع در اختیار داریم، ظرفیت ابداع مغزهایمان..

این منبع پایان‌ناپذیر است. باید آن را ترکیب کرده، تمرین داده و مجهز ساخت. این قدرت دفاعی خواه ناخواه، در یک آینده نزدیک گرانبهاترین ثروت مشترک همه بشریت خواهد بود. در کشور ژاپن تربیت انسان‌ها، بهترین مسأله است و کسانی که در نظام آموزشی کار می‌کنند افراد بسیار محترم و با پرستیژ اجتماعی والایی هستند همین آموزش‌دهندگان هستند که در واقع، توسعه و زمینه‌های آن را (از طریق تربیت شهروندانی آگاه و مسئول) فراهم می‌آورند و ارزشمندترین سرمایه‌های انسان‌های با فرهنگ، آموزش‌دیده و با شخصیت آن جامعه هستند.

بنابراین زمانی آموزش و پرورش در رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش موفق خواهد بود که بتواند شهروندانی آگاه، مسئول و خلاق بپرورد و این امر میسر نیست مگر از طریق آموزش بهینه شهروندی و نیز ارتقاء فرهنگ شهروندی.

بدین ترتیب، هدف اساسی آموزش شهروندی در هر جامعه‌ای، انتقال مجموعه‌ای از دانش‌ها، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های رفتاری ضروری برای دوام و رفاه آن جامعه، به نسل جوان است. (اصل جامعه‌پذیری)

با ورود اسلام آموزه‌های شهروندی با تکیه بر آیین و فضایل اخلاقی و اسلامی ارائه و بر محور اخلاق، اطاعت از والدین، فرمانبرداری از حکومت اسلامی، وظیفه‌شناسی و نیکوکاری به یکدیگر و غیره بنا نهاده شده است.

در نهج البلاغه بارها توصیه اکید حضرت به تلاش و کار برای تمام شهروندان آمده است؛ یعنی ایشان برخورداری از حقوق شهروندی را برای همه شهروندان یک حق تلقی می‌کردند و رعایت آن را برحاکم، لازم و واجب می‌شمردند.

در سفارش‌های آن حضرت به مالک اشتر درباره شهروندان آمده است: (پس آنها دو دسته اند: دسته‌ای برادر دینی تو هستند و دسته دیگر در آفرینش باتو همانند)

برهمن اساس باید همه شهروندان در تمام حقوق و امتیازات باهم برابر باشند که از جمله اینها تساوی در تقسیم بیت‌المال، تساوی در بهره‌بردن از انصاف حاکم، (۱) تساوی در اجرای قانون، (۲) برابری در فرصت‌ها و مسئولیت و وظیفه دولت در قبال همه طبقات جامعه (۳) است. حتی در کلام امام در نهج البلاغه توصیه ایشان به تلاش برای جلب رضایت عوام تا خواص را می‌بینیم: «ولیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق، و اعمها فی العدل، و اجمعها لرضی الرعیه، فان سخط العامه یجحف برضی الخاصه و ان سخط الخاصه یغترف مع رضی العامه» (۴)

امام در این بخش از پیام خود ارزش را به جلب رضایت عموم و سیاهه ملت و گسترش عدالت داده است و اینکه ملاک در محبوبیت، میانه روی در حق است و بس و زمامدار باید توجه داشته باشد آنچه رضایت عموم را سبب می‌گردد، مقدم است بر آنچه رضایت خواص و بستگان را دربرمی‌گیرد؛ زیرا رضایت خواص در صورت خشم و غضب ملت ناچیز است و بکار نمی‌آید و نمی‌تواند مدافع از کیان زمامدار باشد، به خلاف رضایت عموم و ملت و چنانچه در این صورت خشم و غضب خواص عارض گردد، به جایی صدمه نمی‌زند و توانایی کاری را ندارد؛ چون غضب خواص در برابر رضایت ملت و عموم ناچیز است. پس ملاک، بدست آوردن رضایت مردم و عموم ملت است نه رضایت خواص و بستگان و زمامدار زمانی عدالت را محقق نموده و گسترش داده است

که عامه مردم از او راضی باشند چه خواص راضی باشند یا نه. در دیدگاه امیرمومنان (علیه السلام) علی حکومت تنها زمانی اعتبار می‌یابد که وسیله‌ای در جهت تحقق اهداف انسانی و الهی و ابزار برپایی عدالت و رفاه همگانی و حفظ حرمت و حقوق انسانی و بستر تعالی آدمی باشد. بر پایه‌ی این دیدگاه می‌توان گفت که امیرمومنان چهار هدف و غایت مهم از شهروندی مد نظر دارد: برقراری عدالت، تأمین امنیت، تأمین رفاه شهروندان و جامعه و تربیت برای زمینه‌سازی رشد و تعالی انسانها.

در نامه ۵۳ نهج البلاغه از این قبیل توصیه‌ها فراوان است، از جمله سفارش به اجرای حق برای هر کس که باشد، حتی نزدیکان و دوستان، توصیه به پرهیز از امتیاز دادن به اطرافیان، توصیه به پرهیز از انحصار طلبی و اختصاص دادن اموال عمومی به خود، توصیه به پرهیز از تجاهل و حضرت با این بیانات به گستره‌ی ای باز برای شهروندی قائل است و برخورداری از حقوق شهروندی را برای همه قشرهای جامعه اسلامی از نزدیکان حاکم تا عامه مردم از مسلمانان تا مردم اهل کتابی تحت حاکمیت حکومت اسلامی به سر می‌برند، یکسان می‌داند که این گستره باز از جمله شامل تساوی در برخورداری از بیت المال، تساوی در بهره‌مندی از انصاف حاکم، تساوی در اجرای قانون، تساوی در برخورداری از فرصت هاست.

آموزش شهروندی آماده کردن افراد برای تصمیم‌گیری و مسوولیت‌پذیری برای زندگی شخصی و اجتماعی است و شهروند کسی است که با ممنوع خود زندگی می‌کند و از طریق دولت حمایت می‌شود. از حقوق اجتماعی برخوردار است و وظیفه اجتماعی انجام می‌دهد.

شهروندی راه‌های زندگی کردن شهروندان با یکدیگر است. شهروندی توانایی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خودشان تصدیق می‌کند. بنابراین شهروندی افراد از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت یا هویتشان تعیین نمی‌شود.

بنابراین شهروندی در نحوه‌ی ارتباط فرد با فرد و با جامعه معنا و مفهوم حقیقی خود را در می‌یابد.

در این راستا به اعتقاد تی، اچ، مارشال:

اولاً شهروندی وضعیتی است که ناشی از عضویت کامل فرد در اجتماع است.

ثانیاً کسانی که حائز این وضعیت هستند حقوق و تکالیف یکسان و برابری دارند.

باید دانست که شهروندی با احساس مسوولیت همراه است. و حس شهروندی در عمیق‌ترین معنای خود دارای دو جنبه‌ی مهم است:

الف) جنبه مهمی از مسوولیت شهروندی، داشتن شرافت کاری است که بدون آن مدنیت پیشرفته‌ای حاصل نمی‌شود.

ب) مسوولیت مدنی در جایی امکان بروز می‌یابد که جامعه‌ی مدنی به معنای واقعی مستقر شده باشد اما جامعه مدنی نمی‌تواند بدون تلاش شهروندان برخوردار از حس مسوولیت قوی برپا می‌گردد.

این وظیفه‌ی سیستم آموزشی است که جوانترها را برای چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی جهان در حال تغییر آماده کند (رکا باکوو).

آموزش شهروندی منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت‌های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می‌گردد. این مولفه ضامن بقاء و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه همه جانبه جوامع صنعتی و روبه پیشرفت است. چنین تربیتی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسؤولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی بوجود می‌آورد؛ نقش دیگر این مولفه ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسایل عمومی جامعه در ابعاد محلی - ملی و جهانی است. چنین آموزه‌هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و جستجویی برای مساوات طلبی است. این آموزه‌ها به روابط اجتماعی بین افراد و روابط افراد و نهادهای ساختار نظام اجتماعی مربوط شود. این فرایند در نهادهای آموزش رسمی جامعه منجر به پرورش شهروندی فعال می‌گردد. در واقع آموزش شهروندمداری در یک جامعه باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی بصورت ملی برخوردار باشند و ضمن برخورداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بهره‌مند گردند. یادگیری پارامترهای آموزش رفتار شهروندی به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی در زندگی کمک شایانی می‌کند. آموزش رفتارهای شهروندی در افزایش کیفیت عملکرد سازمان‌های مدنی بسیار اثرگذار است، این آموزه‌ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبستگی اجتماعی یک جامعه در سطح محلی - ملی و جهانی کمک خواهد کرد، آموزش شهروندی بخشی از وظایف مدیریت شهری است، در واقع دولت و نهادهای قانونگذار، سازمان‌های ملی و محلی، تشکل‌های مدنی و... از

طریق آموزش حقوق شهروندی و مهارت‌های زندگی جمعی و شناخت اصول مدیریت شهری نقش بارزی در تربیت شهروندان خواهند داشت.

آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت اجتماعی از مولفه‌های نظام دموکراسی-سیاسی و شاخص کلیدی برای تحقق دموکراسی در حوزه عمومی جامعه مدنی است. آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت اجتماعی در ساختار فرهنگی جامعه ایران در قالب سه شکل "امتناع شهروندی" و "امکان شهروندی" و "ایجاب شهروندی" رشد کرده است. فرایند آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت تربیتی شامل مقتضیاتی است که در هر دوره‌ای از جامعه باید به افراد آن جامعه که عضویت دارند و مطالبات معینی را دنبال می‌کنند ارائه داد. در واقع زمینه‌های اصلی و شکل دهنده تربیت یا آموزش شهروندی شامل سنت تاریخی، موقعیت جغرافیایی، ساختار اجتماعی و سیاسی، نظام اقتصادی و گرایش‌های نوین جهانی می‌باشد. در واقع سیر تحولاتی آموزش شهروندی از بعد تربیتی در ساختار جامعه ایران از یک سابقه و قدمت تاریخی بسیار غنی برخوردار است. آموزش شهروندی از بعد سیاسی در واقع توسط نظام سیاسی حاکم بر جامعه تعیین و مشخص می‌کند. حاکمیت از طریق آموزش شهروندی الگوهای توسعه سیاسی جامعه که همان آگاهی و بالا بردن توانایی سیاسی شهروندان به منظور نهادینه ساختن الگوهای انسجام و همبستگی اجتماعی از یکسو و تعمیم پذیری الگوهای مشارکت و توزیع مناسب منابع می‌باشد، را مد نظر دارد. آموزش شهروندی سیاسی در هر جامعه‌ای هدفش پرورش سیاسی، شکل دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان به اقتضای قالب‌های اجتماعی و سیاسی است، آموزش شهروندی با ارتقاء فرهنگ شهروندی ارتباط مستقیم دارد، این مولفه در جهت دادن رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه به عنوان یکی از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی و شاخص‌های توسعه فرهنگی یافتگی نقش موثر دارد. آموزش شهروندی یک آمیختگی و رابطه تنگاتنگ با اخلاق و روابط اخلاقی دارد. این عنصر از شهروندی علاوه بر زمینه‌های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی و اخلاق مدنی ناظر است.

شهروندی مجموعه‌ای گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. فعالیت‌هایی که اگرچه فردی باشند اما برآیند آن به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. شهروندی، از جمله مفاهیم نو پدیداری است که به طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. بر این اساس آموزش حقوق شهروندی همانا نهادینه سازی نظامی از حق‌ها و تکالیف‌های متناسب با شهروندی مبتنی بر کرامت و ارزش‌های انسانی است. آموزش حقوق شهروندی یا به طور رسمی در دروس مدارس ابتدایی به شهروندان آموخته می‌شود یا به طور غیر رسمی در خانه (رفتار والدین بهترین الگوی عملی برای تقویت مهارت‌های شهروندی فرزندان جامعه می‌باشد) یا محل کار یا کارگاه‌های آموزشی.

آموزش رسمی از مقطع آمادگی آغاز و تا دوره دانشگاهی ادامه می‌یابد. در هر یک از مقاطع آمادگی، دبستان، راهنمایی و دبیرستان با توجه به شرایط سنی و ذهنی کودکان و نوجوانان و جوانان، آموزش حقوق شهروندی با روش کاملاً غیرمستقیم (از طریق نحوه رفتار و برخورد آموزگار با کودکان)، عبارتی مدارس برای دانش‌آموزان فضایی فراهم کنند که دانش‌آموزان، شهر را تجربه کنند و با حقوق شهروندی به شکل عملی آشنا شوند. یعنی ساختارها، روش‌ها و محیط‌های آموزشی برای تدوین و یادگیری شهروندی آماده شوند. و طرح مستقیم مفاهیم حقوق شهروندی با دانش‌آموزان (با بهره‌گیری از روش‌های تدریس فعال از جمله؛ روش حل مسئله، روش کاوشگری، روش پروژه، روش یادگیری مشارکتی و...) و همچنین اطلاع‌رسانی در خصوص حقوق شهروندی با برگزاری کنفرانس، سمینار، دوره‌های کوتاه مدت و تهیه و تدوین کتابچه تصویری، کتب آموزشی، ابزار سمعی و بصری و فعالیت‌های فوق برنامه و اردوهای دانش‌آموزی به عنوان راهکارهای تربیت شهروندی بهره‌برد.

امروزه باتوجه به پیچیدگی عصر جهانی شدن، آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هدایت ملی و نظام ارزشی و مهارت‌های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن بیست و یکم، آماده کند.

چرا که جهانی شدن نه فقط براققتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگ ها و نظام های آموزشی و هویت مردمان نیز تأثیر می گذارد. به همین دلیل، برنامه ریزی ثمربخش و نوآوری در آموزش و پرورش زمان ما نمی تواند بدون توجه دقیق و عمیق به تأثیرات جهانی شدن در تعلیم و تربیت کشورها و ملت ها صورت گیرد.

فراپند جهانی شدن نیز خصوصیات ویژه ای را برای شهروند قرن ۲۱ می طلبد که می توان آن ها را در سه قالب کلی و بدین صورت برشمرد:

*دانش، مهارت و نگرش جهانی اندیشیدن و عمل کردن

*دانش مهارت و نگرش دموکراتیک

*توانایی در کاربرد فناوری اطلاعات

این سه مفهوم به شدت درهم تنیده شده، اثرات متقابل و چندجانبه ای دارند. واضح است که نظام آموزشی هر کشوری متأثر از نظام ارزش های حاکم بر جامعه است و بالتبع تربیت شهروندی نیز باید در راستای فرهنگ و هویت دینی و ملی جامعه، انجام گیرد. در این راستا زندگی شهروندی باید محتوای عینی مرتبط با محیط زندگی ایرانی را که دانش آموز در آن به سر می برد، داشته باشد. از چنین مسیری است که بومی کردن آموزش زندگی شهروندی محلی و ملی میسر می شود و مقدمه ی آموزش شهروندی جهانی را فراهم می آورد.

باتوجه به مباحث مطرح شده، یک شهروند مطلوب برای جامعه ی ایران در سه حیطه با قلمروهای خاص و دارای صلاحیت های معینی می باشد که عبارتند از: شناخت مدنی:

آن عبارت است از مجموعه ای از آگاهی ها، اطلاعات و درک و فهم مدنی که مولفه های آن عبارتند از: آگاهی از نحوه بدست آوردن اطلاعات، آگاهی از ساختار و نحوه عملکرد دولت، آگاهی از دیدگاه های احزاب عمده ی کشور، آگاهی از حوادث و رویدادهای جامعه، آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی و آگاهی از حقوق شخصی و بین المللی.

توانایی مدنی: عبارت است از مجموعه ای از مهارت ها، قابلیت ها و توانمندی هایی که هر فرد برای زیست در جامعه ای که در آن زندگی می کند، به آن ها نیاز دارد و مولفه های آن عبارتند از: توانایی مشارکت با دیگران، توانایی انجام امور بدون اتکاء به دیگران، توانایی اتخاذ تصمیم منطقی و توانایی رفتار براساس اصول اخلاقی و مذهبی مطلوب.

نگرش مدنی: عبارت است از مجموعه ای از طرز تلقی ها، باورها و دیدگاه هایی که برای یک شهروند خوب ضروری است و مولفه های آن عبارتند از: پذیرش تنوع و تکثر در جامعه و احترام به آن، داشتن اعتقادات و باورهای مستقل، داشتن روحیه ی مسئولیت پذیری، دارا بودن حس وطن پرستی، داشتن روحیه ی بردباری و تحمل، داشتن روحیه انتقادپذیری، دارا بودن روحیه قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی و هویت مذهبی و ملی.

با عطف به این ویژگی هاست که رسالت سترگ و خطیر آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن معنا و مفهوم خود را درمی یابد بنابراین ضروری است تا ضمن توجه به سیاست های کلی نظام آموزشی، مرحله درک و فهم عمیق و دستیابی به شعور تربیت شهروندی و تدارک مدرسه ی زندگی را وجهه ی همت قرار داده، بسترهای لازم را برای توجه هرچه بیشتر به این رسالت سنگین (تربیت شهروند مدنی) نظام آموزشی فراهم نمائیم.

آموزش غیررسمی نیز موجب عمومیت یافتن حساسیت نسبت به رعایت حقوق شهروندی از طریق مشارکت نهادهای عمومی و خصوصی می گردد. آموزش حقوق شهروندی و آزادی های عمومی در نهادهای عمومی دولتی و غیر دولتی از اهمیت مضاعفی برخوردار است، زیرا موجب استقرار و گسترش فرهنگ انسان ذیحق و مطالبه کننده^۹ حکومت خادم و پاسخگوی و در نتیجه تعمیق دولت قانون مدار می شود.

فعالیت خاص شهرداری ها در زمینه آموزش همگانی (اجتماعی) در زمینه های مختلف حقوق شهروندی توصیه می گردد، خصوصاً در زمینه های: حقوق و تکالیف شهروندی؛ زنان؛ کودکان؛ مشارکت سیاسی؛ حقوق سندیکایی؛ حقوق محیط زیست؛ حقوق اقتصادی و اجتماعی، شهرداریها می توانند این مهم را از طریق ابزار سمعی و بصری، برقراری دوره های کوتاه مدت و برنامه های هنری و فرهنگی و تاسیس نهادهای مدنی و غیر دولتی مانند «مجمع های

محلی ارزیابی و پژوهش» به عنوان نوعی برنامه عملی برای آشنا ساختن جوانان با حقوق و وظایف خود به عنوان شهروند انجام دهند.

نگرش حضرت علی (ع) نیز به شهروندی و حقوق و تعهدات مربوط به آن ناشی از مبانی و نگرش توحیدی مبتنی بر دین است. همچنین امام مشروعیت را الهی می‌داند که این مشروعیت الهی با اقبال و اراده‌ی مردم در جامعه محقق می‌شود. در ضمن، دین و سیاست نیز در کلام و مشی عملی آن حضرت، رابطه‌ای تنگاتنگ و ناگسستگی دارند. پس از بررسی محتوای شهروندی و چگونگی رابطه‌ی فرمانروایان و شهروندان، در می‌یابیم که از نظر امیرمومنان (علیه السلام) این رابطه باید دوسویه و متقابل باشد؛ چون حق و تکلیف با هم‌اند.

در بحث عمق شهروندی، آن حضرت شهروندی عمیق را مدنظر داشته است. به عبارت دیگر ایشان قائل به احساس تعلق خاطر و مسئولیت عمیق شهروندان در قبال اجتماع و نظام اجتماعی است. در مقوله‌ی نوع شهروندی، امام علی (علیه السلام) شهروندان را به مشارکت فعال در عرصه‌ی اجتماع، خوانده و قائل به نقش تعیین کننده‌ی خواست و اراده‌ی مردم در تعیین نوع حکومت و حاکمیت است.

گستره‌ی شهروندی نیز از دیدگاه امیر مومنان (علیه السلام)، باز می‌باشد؛ یعنی آن حضرت قائل است که در جامعه‌ی اسلامی همگان باید از حقوق شهروندی برخوردار باشند و شهروندان در بهره‌مندی از این حقوق مساوی باشند در بحث از غایت شهروندی نیز با این پیش‌زمینه که دریافتیم امام علی (علیه السلام) حکومت را ابزار و وسیله‌ای برای رشد و تعالی انسان‌ها می‌داند، چهار غایت مهم برای شهروندی کشف شد که عبارت‌اند از: برقراری عدالت، تأمین امنیت، تأمین رفاه شهروندان و جامعه و تربیت برای زمینه‌سازی رشد و تعالی انسان‌ها.

مراجع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه (۱۳۶۰). ترجمه ابوالقاسم پاینده، ناشر: سازمان انتشارات جاویدان
۳. ایزدی صمد و آقامحمدی علی. (۱۳۸۶). آموزش شهروندی حقوق انسانی و مسئولیت پذیری اجتماعی در نظام آموزشی (چاپ اول). نشر مرکز مطبوعات و انتشارات
۴. باربالت جی ام (بی تا). حقوق شهروندی. ترجمه: جوادکارگزاری (۱۳۸۳). نشریه حقوق اساسی سال دوم شماره دوم
۵. سعیدی ذکایی محمد (۱۳۸۳). آموزش شهروندی. نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی شماره ۱۹
۶. فتحی واجارگاه کوروش و واحد چوکده سکینه. (۱۳۸۸). آموزش شهروندی در مدارس. تهران: نشر آیین
۷. فنازاده رضا (۱۳۸۹). ضرورت آموزش حقوق شهروندی. فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی معاونت تحقیقات آموزش و حقوق شهروندی شماره ۲۴
۸. قاضی میرسعید (۱۳۸۱). راهکارهای نهادینه کردن و توسعه فرهنگ شهروندی. چکیده مقالات همایش تحقیقات و راهکارهای توسعه فرهنگ شهروندی. انتشارات محبان اصفهان
۹. قائدی یحیی (۱۳۸۵). تربیت شهروند آینده. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی سال پنجم شماره ۱۷ ص ۲۸-۳۰
۱۰. قلتاش عباس (۱۳۸۸). نقد و بررسی رویکردهای تربیت شهروندی در برنامه درسی دوره ابتدایی. ارائه طرح برنامه درسی تربیت شهروندی. پایان نامه دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان واحد خوراسگان چاپ نشده
۱۱. موسوی سید یعقوب (۱۳۸۱). محدودیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه حقوق شهروندی در ایران. چکیده مقالات همایش راهکارهای توسعه فرهنگ شهروندی. انتشارات محبان اصفهان
12. Abowitz, K , & Harnish, J. (2006). Contemporary discourses of citizenship. Review of educational Research. 76 (4), 653-690
13. Banks, J.A. (2008). Diversity group identity and citizenship education in a global age. Educational Researcher, 37(3), 129-139